

گشته‌شدن ابوطالب یزدی در مکه و بقیه وقایع

آنچه است حصول حسن تفاهم و وحدت میان مسلمانان دنیا.

در این میان جهل و غرض‌های ناشی از هوا و هوس باعث می‌گردد که بسیاری از مسلمانان نتوانند به هدف منظور دست یابند و گاهی با رفتار خلاف خود که با اصول و احکام اسلام مغایر است نتایجی بعکس بار آورند.

سی و چند سال پیش یکی از مسلمانان ایرانی بنام سید ابوطالب یزدی را در ایام حج و هنگامیکه وی به اداء مناسک حج سرگرم بود محکوم به قتل کردند و روز روشن جلوجشم دیگر مسلمانان گردن زدند و نتیجه این شد که دولت شاهنشاهی رابطه خود را با عربستان سعودی قطع کرد و سالها مسلمانان ایران از اداء قریضه حج باز ماندند و پیدا است که این پیش آمد

هریک از احکام اسلام برای پیروان این دین آسمانی نتایجی در بر دارد و هدف از وضع آن حکم رسیدن به آن نتایج است.

هدف از نماز پاکی ظاهر و باطن نماز گزار و برقراری رابطه قلبی همیشگی میان وی و خدای یگانه و خواستن هدایت براه راست و رستگاری است؛ و منظور از روزه ریاضت نفس و تمرین ایستادگی در برابر خواسته‌های نفسانی و صبر و تحمل و گذشت است و همینگونه درباره دیگر از احکام اسلامی که به فروع دین تعبیر شده است.

هدف از تشریح حج اجتماع مسلمانان جهان در وقت معین و جای مشخص و شناسائی همدیگر و اطلاع بر آنچه در جهان اسلام میگذرد و عبادت و بندگی خداست بصورت دستجمعی و تحصیل منافع بسیار دیگر که از

تاریخ باز می بینیم که جهل و غرض بهم دست داده و مسئولان حکومت بعثی عراق بارفتار وحشیانه آواره ساختن و اخراج دستجمعی ایرانیان مسلمان از خانه و آشیانه خود در سرمای زمستان باعث قتل خردسالان و پیران آنان شده و اسم آنها اعمال حق حاکمیت قانونی گذاشته اند .

باری برگردیم بدستان قتل ابوطالب یزدی او مردی ساده و بیسواد و از اهالی دهستانهای تابعه یزد بود که باقتضای اخلاص و عقیده خود مانند دیگر مسلمانان از درآمد سالانه خویش صرفه جوئی کرده و وسیله سفر خود را به مکه فراهم ساخته بود .

ابوطالب درست هنگام اداء فریضه حج که در حال احرام مشغول طواف دور خانه کعبه بود در اثر ابتلای باسهال دچار قی و استفراغ شده ، بجای آنکه طواف خود را قطع کند و از مسجد الحرام خارج شود بخیال خود نخواست به بود حج خود را ناتمام بگذارد و با گوشه های احرامی آنچه را استفراغ میکرد پاک مینموده و چند نفر از طواف کنندگان که شاهد این وضع بوده اند رفتار این بیچاره را عمدی و بقصد اهانت و باصطلاح «تلویث» خانه کعبه تشخیص داده او را در همان حال پیلوس حرم تسلیم میدادند و روز بعد در محکمه شرع نزد قاضی گواهی میدهند که این شخص بقصد اهانت و آلوده ساختن حرم در جرگه طواف کنندگان وارد شده و آن ها شاهد بودند که چندبار احرامی آلوده بنجاست را به اطراف کعبه

درست در جهت مخالف هدف از تشریح فریضه حج بود .
داستان محکوم شدن ابوطالب یزدی بقتل هم تأثیر آمیز است و هم عبرت انگیز .

عوامل پیدایش این حادثه که موجب اختلاف و شقاق مسلمانان شده جهل بود و هم غرض قرآن مجید برای خانه کعبه احترامی بزرگ قائل شده و آنرا مسجد الحرام و محل امن و حرمت معرفی کرده است و نه تنها افرادی که در حرم خدا هستند مصونیت دارند بلکه جانوران و نیز درختان و گیاه هاییکه داخل حرم باشند صید آنها و بریدن و از ریشه کشیدن آنها گناه و شرعاً ممنوع میباشد .

حالا ببینیم چرا این مسلمان در حرم خانه خدا بدون گناه کشته شده ؟
علی (ع) زادر محراب مسجد و هنگام اداء فریضه نماز کشتند و قاتل امام مدعی بود که قتل علی (ع) خدمت به وحدت اسلام است .

امام حسین و فرزندان و یاران او را میخواستند در همین حرم الهی و در ایام اداء فریضه حج بقتل برسانند و پس از مهاجرت وی و همراهان از مکه آنها را در صحرای نینوا و دشت کربلا کشتند و قاتلان این بزرگواران مدعی بودند که امام (ع) و کسان وی بر امام و خلیفه مسلمانان خروج کرده اند و قتل ایشان واجب است !
پس از گذشت هزار و سیصد سال از آن

بوسیله نمایندگانی که در کشورهای دیگر اسلامی داشت بتدریج این حقیقت را بوسیله تماس با نمایندگان سیاسی دولت شاهنشاهی فها نید که آندولت مطلقاً در این حادثه دخالت نداشته و ابوطالب صرفاً از طرف قاضی شرع و بگواهی گواهان که از کشورهای دیگر اسلامی بوده اند بقتل محکوم گشته و اجراء این حکم نیز بوسیله محکمه شرع انجام شده و اساساً دولت اگر هم میخواست جلوی این کار را بگیرد از عهده برنمیآمده چنانکه در مورد خراب کردن بقاع متبرکه بقیع در مدینه منوره که صرفاً بموجب فتوای علمای وهابی و بمباشرت مأموران محکمه دینی و بدون دخالت مأموران دولت انجام گرفته است .

از سوی دیگر نظر دولت شاهنشاهی نیز بمتابعت از سیاست حسن همجواری و صلحدوستی براین بود که در فرصت مناسب رابطه سیاسی خود را با دولت عربستان سعودی تجدید کند و این کار انجام گرفت و مسلمانان ایران مجدداً با اجازه دولت راه سفر مکه را در پیش گرفتند .

.

در سال ۱۳۲۸ شاهنشاه آریامهر که از آغاز سلطنت همواره در مقام بالا بردن احترام ایران و ایرانی در انظار ملتها و بخصوص همسایگان بودند اراده فرمودند رابطه ایسران را با کشور

مالیده چون کسی نبوده از این بینوا دفاع کند و بقاضی محکمه بفهماند که وی بیمار است و این پیش آمد اضطراری بوده و هرگز بقصد اهانت بحرم و آلوده ساختن این مکان مقدس چنین عملی از او سر نزده و چون جاهل بوده بجای بیرون رفتن فوری از مسجد الحرام با همه ناسراحتی ساخته و به نیت اداء طواف با حال نزار دور خانه کعبه میگشته و مطلقاً قصد اهانتی نسبت بان مکان مقدس نداشته قاضی شرع عمل او را منطبق با آیه «ومن یرد فیہ بالحداد نذته من عذاب الیم» دانسته او را بمرگ محکوم ساخته است . روز بعد آنگونه که در کشور عربی سعودی با محکومان بقتل رفتار میکنند در کفار بازار صفا و مروه سر او را از تن جدا ساختند تا دیگران عبرت گیرند و در مقام اهانت بخانه مقدس کعبه بر نیایند .

خبر قتل ابوطالب دولت و ملت ایران را دچار حیرت ساخت و چون بگواهی حجاج ایرانی که بتدریج با ایران باز گشتند و خود شاهد ماجرا بودند این امر محقق گردید دولت شاهنشاهی روابط سیاسی خود را با عربستان سعودی قطع کرد و از سال بعد هیچ ایرانی اجازه داده نشد عازم سفر حج گردد .

.

گذشت زمان غبار فیاموشی بر این حادثه پاشید و دولت عربستان سعودی نیز

مهم را انجام داد نقشی را که در این هیئت برای من پیش بینی شده بود معاونت امیر-الحاج و سرپرستی حجاج ایرانی که از راه عراق و کویت عازم مکه میشدند بود.

فصل تابستان بود و در آن سالها فصل تابستان باغ سفارت آلمان در تخریب مجاور پل رومی مقر نخست وزیر بود. از طرف نخست وزیر وقت شادروان عبدالحسین هژیر بنخست وزیر دعوت شدم مرحوم هژیر مراد جریان موضوع گذاشت و پس از بیان مقدمه ای کوتاه درباره نظر شاهنشاه آریامهر دایر باهتمام لازم نسبت بحفظ احترام ایرانیانیکه عازم سفر حج بودند و پیش بینی های لازم که از طرف دولت برای انجام این مهم شده اظهار کرد که آقای سید محسن صدر «صدرالاشراف» از طرف شاهنشاه بمقام امارت حاج انتخاب شده اند و ایشان تورا بعنوان معاون امیر-الحاج پیشنهاد کرده اند که در عین حال سرپرستی حجاج ایرانی را که از راه زمین عازم مکه خواهند گردید بعهده گیری. (ادامه دارد)

عربستان سعودی بر اساس متین و محکمی استوار فرمایند و مقام ایران را در آن کشور و بتدریج در همه کشورهای اسلامی بمرحله ایکه شایسته این کشور است بالا ببرند و در حد اعلی نگاهدارند.

فصل حج نزدیک میشد و چون باتجدید روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی پس از چند سال اینک برای اولین بار حدود بیست هزار نفر از مردم ایران و از جمله عده بسیاری از علماء اعلام و مراجع تقلید و شخصیت های مختلف داوطلب زیارت بیت اله و انجام فریضه حج شده بودند شاهنشاه آریامهر چنین مصلحت دیدند هیئتی مخصوص برای سرپرستی و هدایت آنان بطور رسمی انتخاب گردد و با اسباب و وسائل آبرومند همه جا در راه و در کشور عربستان سعودی و هنگام اداء مناسک حج در مقام های مشخص از آن ها مراقبت کند و خلاصه حجاج ایرانی نیز مانند حجاج دیگر کشورهای اسلامی دارای سرپرست و مراقب و پزشک و پرستار باشند و همه جا از هر لحاظ آبرو و احترام و حیثیت آن ها را حفظ کنند و وسائل بهداشت و درمان آن ها را فراهم آرند این هیئت انتخاب گردید و این وظیفه